

shariatkhoda.org

ضمیمه v۷a: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: پیوندهایی که خدا می‌پذیرد

این صفحه بخشی از مجموعهٔ پیوندهایی است که خدا می‌پذیرد و ترتیب آن به این صورت است:

۱. ضمیمه v۷a: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: پیوندهایی که خدا می‌پذیرد (صفحهٔ کنونی).

۲. ضمیمه v۷b: طلاق‌نامه — حقایق و افسانه‌ها

۳. ضمیمه v۷c: مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا

۴. ضمیمه v۷d: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه

خاستگاه ازدواج در آفرینش

همگان می‌دانند که نخستین ازدواج درست پس از آن رخ داد که آفریننده، مؤنثی [נְקֵבָה (nᵉqēvāh)] را آفرید تا همدم نخستین انسان، که مذکر [זָכָר (zākhār)] بود، باشد. نر و ماده — این‌ها اصطلاحاتی هستند که خود آفریننده هم برای حیوانات و هم برای انسان‌ها به کار برد (پیدایش ۲۷:۱). روایت پیدایش می‌گوید که این انسان مذکر، که به صورت و شباهت خدا آفریده شده بود، دید که هیچ‌یک از ماده‌های دیگر موجودات روی زمین به او شباهت ندارد. هیچ‌کدام او را جذب نکردند و او خواهان همدمی بود. عبارت در متن اصلی [עֵזֶר כְּנֶגְדּוֹ (ʿēzer kᵉnegdô)] است که به معنای «یاوری مناسب» است. و خداوند نیاز آدم را دریافت و تصمیم گرفت برای او مؤنثی، نسخهٔ مؤنث بدن او، بیافریند: «خوب نیست که مرد تنها باشد؛ برای او یاوری مناسب او خواهم ساخت» (پیدایش ۱۸:۲). سپس حوا از بدن آدم ساخته شد.

نخستین پیوند بر اساس کتاب‌مقدس

بدین‌سان، نخستین پیوند جان‌ها شکل گرفت: بدون مراسم، بدون نذر، بدون شاهد، بدون ضیافت، بدون ثبت رسمی و بدون مجری مراسم. خدا به‌سادگی زن را به مرد داد و واکنش او این بود: «اکنون این استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم است؛ او «زن» نامیده خواهد شد، زیرا از مرد گرفته شده است» (پیدایش ۲۳:۲). اندکی بعد

می‌خوانیم که آدم با حوا نزدیکی کرد [יָדַע (yāḏaʿ) — شناختن، رابطهٔ جنسی داشتن] و او باردار شد. همین تعبیرِ «شناختن»، در پیوند با بارداری، بعدها دربارهٔ پیوند قائن و همسرش نیز به کار رفته است (پیدایش ۱۷:۴). همهٔ پیوندهای یادشده در کتاب‌مقدس به‌سادگی از این قرارند که مردی زنی باکره (یا بیوه) را برای خود می‌گیرد و با او نزدیکی می‌کند — تقریباً همیشه با استفاده از تعبیر «شناختن» یا «نزد او رفتن» — که تأیید می‌کند پیوند واقعاً شکل گرفته است. در هیچ روایت کتاب‌مقدسی گفته نشده است که مراسمی، چه مذهبی و چه مدنی، برگزار شده باشد.

پیوند در نظر خدا چه زمانی شکل می‌گیرد؟

پرسش اصلی این است: **خدا چه زمانی ازدواج را تحقق‌یافته می‌داند؟** سه گزینهٔ ممکن وجود دارد — یکی کتاب‌مقدسی و حقیقی، و دو گزینهٔ دیگر دروغین و ساختهٔ انسان.

۱. گزینهٔ کتاب‌مقدسی

خدا مرد و زن را از همان لحظه‌ای متأهل می‌داند که زن باکره نخستین رابطهٔ جنسی خود را با رضایت با او برقرار می‌کند. اگر زن پیش‌تر با مرد دیگری بوده باشد، پیوند تنها در صورتی می‌تواند شکل بگیرد که مرد پیشین مرده باشد.

۲. گزینهٔ دروغین نسبی‌گرایانه

خدا پیوند را زمانی تحقق‌یافته می‌داند که آن دو تصمیم بگیرند. به بیان دیگر، مرد یا زن می‌تواند هر تعداد شریک جنسی که می‌خواهد داشته باشد، اما تنها در روزی که آن دو تصمیم بگیرند رابطه‌شان جدی شده است — شاید چون قرار است با هم زندگی کنند — خدا آنان را یک تن می‌داند. در این حالت، این مخلوق است، نه آفریننده، که تصمیم می‌گیرد چه زمانی جان مرد به جان زن پیوند بخورد. کوچک‌ترین مبنای کتاب‌مقدسی برای این دیدگاه وجود ندارد.

۳. رایج‌ترین گزینهٔ دروغین

خدا تنها زمانی پیوند را تحقق‌یافته می‌داند که مراسمی برگزار شود. این گزینه تفاوت چندانی با گزینهٔ دوم ندارد، زیرا در عمل تنها تغییر، افزوده شدن انسان سومی به این فرایند است؛ کسی که ممکن است قاضی صلح، مأمور ثبت، کاهن، شبان و غیره باشد. در این گزینه نیز ممکن است آن دو در گذشته چندین شریک جنسی داشته باشند، اما تنها اکنون که در برابر یک رهبر ایستاده‌اند، خدا آن دو جان را پیوندیافته می‌داند.

نبود مراسم در ضیافت‌های عروسی

باید توجه داشت که کتاب‌مقدس از چهار ضیافت عروسی نام می‌برد، اما در هیچ‌یک از این روایت‌ها اشاره‌ای به مراسمی برای رسمیت بخشیدن به پیوند یا برکت دادن آن نشده است. هیچ تعلیمی وجود ندارد که برای معتبر بودن

پیوند نزد خدا، آیین یا روندی بیرونی ضروری باشد (پیدایش ۲۱:۲۹-۲۸؛ داوران ۱۴:۱۰-۲۰؛ استر ۱۸:۲؛ یوحنا ۱:۲-۱۱). تأیید پیوند زمانی رخ می‌دهد که زنی باکره با رضایت با نخستین مرد خود رابطهٔ جنسی برقرار می‌کند (هم‌بستری). این اندیشه که خدا تنها هنگامی آن دو را به هم پیوند می‌دهد که در برابر یک رهبر مذهبی یا قاضی صلح بایستند، هیچ پشتوانه‌ای در کتب مقدس ندارد.

PDF: دریافت PDF شامل همهٔ ازدواج‌های کتاب‌مقدس.

زنا و شریعت خدا

از آغاز، خدا زنا را ممنوع کرد؛ زنا به این معناست که زنی با بیش از یک مرد رابطه داشته باشد. دلیل آن این است که **جان زن اینجا بر روی زمین، در هر زمان تنها می‌تواند با یک مرد پیوند داشته باشد.** محدودیتی برای شمار مردانی که زن می‌تواند در طول زندگی خود داشته باشد وجود ندارد، اما هر رابطهٔ تازه تنها در صورتی مجاز است که رابطهٔ پیشین با مرگ پایان یافته باشد، زیرا تنها در آن هنگام است که جان مرد به خدایی که از او آمده بود بازگشته است (جامعه ۷:۱۲). به بیان دیگر، زن برای پیوند با مردی دیگر باید بیوه باشد. این حقیقت به‌آسانی در کتب مقدس تأیید می‌شود؛ مانند زمانی که داوود پادشاه تنها پس از شنیدن خبر مرگ نابال، کسی را به دنبال ابیجایل فرستاد (اول سموئیل ۳۹:۲۵-۴۰)؛ زمانی که بوعز روت را به همسری گرفت، زیرا می‌دانست شوهرش، محلون، مرده است (روت ۱۳:۴)؛ و زمانی که یهودا به پسر دوم خود، اونان، دستور داد با تامار ازدواج کند تا به نام برادر درگذشته‌اش نسلی پدید آورد (پیدایش ۸:۳۸). همچنین بنگرید به: متی ۳۲:۵؛ رومیان ۳:۷.

مرد و زن: تفاوت‌ها در زنا

آنچه به‌روشنی در کتب مقدس دیده می‌شود این است که زنا علیه زن وجود ندارد، بلکه تنها علیه مرد است. این اندیشه که بسیاری از کلیساها تعلیم می‌دهند — این‌که مرد با جدا شدن از زنی و ازدواج با باکره یا بیوه‌ای دیگر، علیه همسر سابق خود زنا می‌کند — پشتوانه‌ای در کتاب‌مقدس ندارد، بلکه بر قراردادهای اجتماعی استوار است.

بخوانید: مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا.

گواه این امر در نمونه‌های فراوانی از خادمان خداوند یافت می‌شود که چندین بار با باکره‌ها و بیوه‌ها ازدواج کردند، بی‌آن‌که خدا آنان را نکوهش کند — از جمله نمونهٔ یعقوب که چهار همسر داشت و دوازده قبیلهٔ اسرائیل و خود مسیح از آنان پدید آمدند. هرگز گفته نشد که یعقوب با هر همسر تازه‌ای زنا کرده است.

نمونهٔ شناخته‌شدهٔ دیگر، زنای داوود بود. ناتان نبی هیچ سخنی از این نگفت که داوود هنگام نزدیکی با بتشبع، علیه هیچ‌یک از زنان پادشاه زنا کرده باشد (دوم سموئیل ۹:۱۲)، بلکه تنها از زنا علیه اوریا، شوهر او، سخن گفت. به یاد داشته باشید که داوود از پیش با میکال، ابیجایل و اخینوعم ازدواج کرده بود (اول سموئیل ۴۲:۲۵). به بیان دیگر، زنا همیشه علیه مرد است و هرگز علیه زن نیست.

برخی رهبران دوست دارند ادعا کنند که خدا مردان و زنان را در همه‌چیز برابر می‌سازد، اما این بازتاب آن چیزی نیست که در طول چهار هزار سالی که کتب مقدس در بر می‌گیرند مشاهده می‌شود. در کتاب‌مقدس حتی یک نمونه هم وجود ندارد که خدا مردی را به سبب زنا علیه همسرش سرزنش کرده باشد.

بخوانید: چرا عیسی امروز چندهمسری را مجاز نمی‌داند.

این بدان معنا نیست که مرد زنا نمی‌کند، بلکه به این معناست که **خدا زنای مرد و زن را به‌گونه‌ای متفاوت می‌سنجد.** مجازات کتاب‌مقدسی برای هر دو یکسان بود (لاویان ۱۰:۲۰؛ تثنیه ۲۲:۲۲-۲۴)، اما هیچ ارتباطی میان باکرگی مرد و ازدواج وجود ندارد. این زن است، نه مرد، که تعیین می‌کند آیا زنا رخ می‌دهد یا نه. بر اساس کتاب‌مقدس، **مرد هرگاه با زنی رابطه داشته باشد که نه باکره است و نه بیوه، زنا می‌کند.** برای مثال، اگر مردی باکره و ۲۵ ساله با زن جوان ۲۳ ساله‌ای هم‌بستر شود که پیش‌تر با مرد دیگری بوده است، زنا می‌کند — زیرا از نظر خدا آن زن جوان، همسر مرد دیگری است (متی ۳۲:۵؛ رومیان ۳:۷؛ اعداد ۱۲:۵).

ازدواج یبومی و حفظ نسل

این اصل — این‌که زن تنها پس از مرگ مرد نخست مجاز است با مرد دیگری پیوند برقرار کند — در حکم ازدواج یبومی نیز تأیید شده است؛ حکمی که خدا برای حفظ اموال خانواده داد: «اگر برادران با هم زندگی کنند و یکی از آنان بدون داشتن فرزند بمیرد، همسر مرد درگذشته با مرد بیگانه‌ای بیرون از خانواده ازدواج نکند. برادر شوهرش نزد او برود، او را به همسری بگیرد و وظیفهٔ برادرشوهر را در حق او انجام دهد...» (تثنیه ۵:۲۵-۱۰. همچنین بنگرید به پیدایش ۸:۳۸؛ روت ۱:۱۲-۱۳؛ متی ۲۴:۲۲). توجه داشته باشید که این حکم باید اجرا می‌شد، حتی اگر برادرشوهر از پیش همسر دیگری داشت. در مورد بوعز، او حتی روت را به خویشاوند نزدیک‌تری پیشنهاد کرد، اما آن مرد نپذیرفت، زیرا نمی‌خواست همسر دیگری بگیرد و ناچار شود میراث خود را تقسیم کند: «در روزی که زمین را از دست نعومی می‌خری، باید روت موآبی، همسر مرد درگذشته را نیز به دست آوری تا نام مرد درگذشته را بر میراث او برپا کنی» (روت ۵:۴).

دیدگاه کتاب‌مقدسی دربارهٔ ازدواج

دیدگاه کتاب‌مقدسی دربارهٔ ازدواج، آن‌گونه که در کتب مقدس آمده، روشن و متمایز از سنت‌های انسانی امروز است. خدا ازدواج را به‌عنوان پیوندی روحانی بنا نهاد که با هم‌بستری میان مرد و زنی باکره یا بیوه مهر می‌خورد، بدون نیاز

به مراسم، مجریان مراسم یا آیین‌های بیرونی.

این **به این معنا نیست که کتاب‌مقدس برگزاری مراسم را به‌عنوان بخشی از عروسی ممنوع می‌داند**، اما باید روشن باشد که این مراسم نه شرطی لازم است و نه تأییدی بر این‌که پیوند جان‌ها مطابق شریعت خدا شکل گرفته است.

پیوند تنها در لحظهٔ رابطهٔ همراه با رضایت در نظر خدا معتبر شمرده می‌شود و این بازتاب نظم الهی است که زن باید در هر زمان تنها با یک مرد پیوند داشته باشد، تا مرگ آن پیوند را بگسلد. نبود مراسم در ضیافت‌های عروسی توصیف‌شده در کتاب‌مقدس تأکید می‌کند که تمرکز بر عهد صمیمانه و هدف الهی تداوم نسل است، نه بر تشریفات انسانی.

نتیجه‌گیری

در پرتو همهٔ این روایت‌ها و اصول کتاب‌مقدسی، روشن می‌شود که تعریف خدا از ازدواج ریشه در طرح خود او دارد، نه در سنت‌های انسانی یا تشریفات قانونی. آفریننده از آغاز معیار را تعیین کرد: ازدواج در نظر او هنگامی مهر می‌خورد که مرد از راه رابطهٔ همراه با رضایت، با زنی پیوند برقرار کند که برای ازدواج آزاد است — یعنی یا باکره است یا بیوه. هرچند مراسم مدنی یا مذهبی می‌تواند به‌منزلهٔ اعلام عمومی باشد، در تعیین این‌که پیوند نزد خدا معتبر است یا نه، هیچ وزنی ندارد. آنچه اهمیت دارد، اطاعت از نظم او، احترام به قداست پیوند زناشویی و وفاداری به فرمان‌های اوست؛ فرمان‌هایی که صرف‌نظر از دگرگونی‌های فرهنگی یا نظر انسان، تغییرناپذیر می‌مانند.